

## مقدمه؛ گفتمان سردبیر:

# امنیت ملی ایران در آستانه فردا

دکتر محمدرضا تاجیک

۱

جامعه امروز ما، از یک سو، در هنگامه یک دوران گذار اصلاحی، و از جانب دیگر، در آستانه تغییر ژرف و گسترده در محیط فراملی خود، به سر می‌برد. چنین وضعیتی، جامعه ایرانی را در متر و بطن یک «موقعیت ناسازه‌گون (پارادوکسیکال) چندلایه» و یک محیط بدیع، متحول و پیچیده قرار داده است. بی‌تردید، چنین موقعیتی برای جامعه ما، هم از استعداد تهدیدزایی و هم از قابلیت فرصت‌زایی برخوردار است. برای ورود به «فردایی امن‌تر»، ضرورتاً، از هم‌اکنون می‌باید هم «آینده‌شناسی» داشت و هم «آینده‌سازی» را در دستور کار خود قرار داد؛ می‌باید در پرتو احصاء شناختی علمی از روح و مقتضیات و مناسبات زمانه خود، طرحی نو در انداخت و با دست یازیدن به رهیافت‌ها و راهبردهای نوین، به تدبیر و مهندسی جامعه‌ای با ثبات و پویا در جهان پرتلاطم و پرفراز و نشیب آینده پرداخت؛ در یک کلام، باید عمارتی بس پایا و مانا در «بستر شنی آینده» بنا نهاد که هم تضمین‌کننده امنیت «هستی‌شناختی»، و هم ضامن «صیانت ذات» و «تمامیت وجودی» ما باشد.

امروز، کمتر کسی از ما تردید دارد که جامعه جهانی، در آستانه یک تغییر ژرف و تاریخی و نیز در هنگامه یک موقعیت و وضعیت ناسازه‌گون (پارادوکسیکال) چندلایه و یک محیط بدیع، متحول و پیچیده قرار دارد. در این هنگامه:

- از یک سو، بسیاری از متغیرهای بی‌بدیل محیطی در جهت کاهش اقتدار امنیتی و مشروعیت سیاسی و مقبولیت اقتصادی قدرت‌های بزرگ عمل می‌کنند، از سوی دیگر،



این قدرت‌ها برای تدبیر و گذر از این دوران برزخی نیازمند افزایش اقتدار امنیتی و سیادت سیاسی و اقتصادی خود هستند.

- از یک سو، جامعه جهانی بیش از همیشه نیاز به گسترش و تعمیق گفتمان امنیت مثبت دارد؛ از سوی دیگر، حصارهای تنگ و باریک گفتمان امنیت منفی، تحقق «جامعه امن جهانی» را غیر ممکن ساخته است.

- از یک سو، امنیت جامعه جهانی، در شرایط کنونی، در گرو درک تهدیدات و فرصت‌های «موج چهارم امنیتی» است؛ از سوی دیگر، کماکان رویکردهای مسلط در عرصه امنیت جهانی، سخت و امدار ملاحظات موج اول امنیتی هستند.

- از یک سو، جامعه جهانی نیاز به رهیافت و راهبردی تابشی - اثباتی در عرصه امنیت دارد؛ از سوی دیگر، کانون مسلط گفتمان امنیت جهانی، مبتنی بر نوعی «داروینسم امنیتی» است.

- از یک سو، جامعه جهانی نیاز به «فرهنگ امنیت ملی» (نگریستن به امنیت از دریچه فرهنگ) دارد؛ از جانب دیگر، عرصه فرهنگ جهانی سخت به آلاینده‌های سیاسی - امنیتی موث شده‌اند.

- از یک سو، جامعه جهانی نیازمند در انداختن طرح یک گفتمان امنیت جهانی پیرامون «همزیستی مسالمت‌آمیز» و «گفت‌وگویی» تمامی دول و ملل است؛ از جانب دیگر، تحولات اخیر جهانی با خود نوعی «بحران روابط» و «برخورد و ستیزش و تنش» را به ارمغان آورده‌اند.

- از یک طرف، جامعه جهانی بیش از همیشه طالب دستیابی به وقایع و حقایق است؛ از جانب دیگر، متغیرهای جدید دست‌اندر کار معماری دنیایی «وانموده» (دنیایی که «نیست‌ها» در آن هست» جلوه داده می‌شوند) هستند.

- از یک سو، جامعه جهانی در حال تجربه کردن فرایندی به نام جهانی شدن است؛ از جانب دیگر، به گونه روزافزونی در بطن و منن یک فرایند پیچیده جهانی سازی قرار می‌گیرد.



- از یک سو، جامعه جهانی تلاش دارد که خود را از چنبره فناوری‌های قدرت سخت‌افزاری (چهره اول و دوم قدرت) برهاند و از سوی دیگر، رویکرد سخت‌افزاری و سنتی به طور محسوس در حال بازتولید خود است.

- از یک سو، جامعه جهانی در آستانه ورود به دورانی است که ایده مسلط در آن، ایده ارتباط و اتصال است؛ ویژگی بارز آن چندپارگی و همگرایی است؛ انگاره نهفته در بطن و متن آن، انگاره شبکه جهان‌گستر است؛ ثقل و کانون گفتمانی آن، نرم‌افزاری است؛ سند تعریف‌گر آن، تبادل و معامله است؛ ساختار قدرت آن، مبتنی بر افراد و بازار است. اما از جانب دیگر، قدرت‌های مسلط جهانی، در حال بازتولید و بازسازی ایده مسلط جنگ سرد که بر خورد و رویارویی بوده است، هستند؛ به دنبال برجسته کردن ویژگی مسلط جنگ سرد که «تقسیم و دوپارگی جهان» بود، هستند؛ در پی ترمیم و بازسازی نماد و انگاره مسلط جنگ سرد که «دیوار» بود، هستند؛ در صدد چهره سخت‌افزاری و هژمونیک بخشیدن به فراگفتمان خود هستند؛ و در پی حفظ و تقویت قدرت و سیادت دولت - ملت در برابر بازیگران جدید غیردولتی هستند.

از جانب دیگر، امروز کمتر صاحب‌قلم و تدبیری را در جامعه ایرانی می‌توان یافت که نسبت به شرایط پارادوکسیکال امنیتی خود با شاخصه‌های زیر، واقف نباشد:

- از یک سو، گفتمان امنیتی مسلط را پیرامون «هویت شفاف ملی» مفصل‌بندی کرده‌ایم، از جانب دیگر، متغیرهای جدید محیطی را خود نوعی «بحران هویت» را به ارمغان آورده‌اند.

- از یک طرف، گفتمان مسلط امنیتی ما، کماکان پیرامون دقایقی همچون «حاکمیت ملی»، «مرزهای جغرافیایی سدید و مستحکم»، «دولت - ملت» و شکل‌گرفت است؛ از طرف دیگر، متغیرهای نوین محیطی دست‌اندرکار مسلط کردن یک گفتمان «امنیت جهانی» هستند.

- از یک طرف، ما نه‌دیدات امنیتی خود را در یک دنیای واقعی جستجو می‌کنیم؛ از جانب دیگر، متغیرهای جدید دست‌اندرکار معماری دنیایی (وانموده) (دنیایی که «نیست‌ها» در آن «هست» جلوه داده می‌شوند) هستند.



- از یک سو، ما کماکان امنیت ملی خود را در پرتو چهره اول و دوم قدرت جستجو می‌کنیم؛ از جانب دیگر، تهدیدات ما در قالب چهره‌های چهارم و پنجم قدرت جلوه‌گر شده‌اند.

- از یک سو، به گونه سنتی به تهدیدات و اهداف امنیتی و اطلاعاتی خود در قالب‌های رسمی، دولتی و کلاسیک می‌نگریم؛ از جانب دیگر، موازنه اطلاعاتی به نفع بازیگران غیر دولتی، غیر رسمی و جنبش‌های جدید اجتماعی در حال تغییر است (انقلاب اطلاعات با خود «افزایش قابلیت‌ها»، «کاهش هزینه‌ها»، «افزایش میزان پیوند» را به ارمغان آورده است. این روند موجب تغییر موازنه اطلاعاتی به نفع بازیگران غیر دولتی شده است).

- از یک طرف، به «استراتژی» در قالب ادبیاتی بافته و تافته از مفاهیمی نظیر ثبات، زمان‌مندی، نظارت، پیش‌بینی، و... می‌نگریم؛ از جانب دیگر، امروزه با پدیده جهانی شدن تمامی این مفاهیم زیر سؤال رفته‌اند.

- از یک سو، ما کماکان از منظر علم پوزیتیویستی به استراتژی می‌نگریم؛ از جانب دیگر، علم حیثیت‌اثبات‌پذیری و تعمیم‌پذیری خود را از دست داده است.

- از یک سو، ما کماکان به طراحی یک جامعه اطلاعاتی بستاری می‌اندیشیم؛ از جانب دیگر، جهان اطلاعاتی کنونی ضرورت جدی در انداختن جامعه اطلاعاتی شبکه‌ای را ایجاب کرده است.

- از یک سو، ما کماکان مزیت نسبی و رقابت‌پذیری اطلاعاتی در پرتو قوانین فیزیک تحلیل می‌کنیم؛ از جانب دیگر، در عصر اطلاعات، مزیت نسبی و رقابت‌پذیری منکی بر قوانین سیرنتیک است نه قوانین فیزیک. تحت قوانین فیزیک، سری بودن، بسته بودن و محدود کردن دانش، یک مزیت نسبی موقتی ایجاد کرد. تحت قوانین سیرنتیک، سرعت بنای همه چیز است. باز بودن و انعطاف‌پذیری جزو اصول موفقیت در شرایط جدید هستند.

- از یک سو، سازوکارهای اطلاعاتی ما به طور کلاسیک بطنی بودن حدوث تهدیدات دلخوش می‌دارد؛ از جانب دیگر، در زمان کنونی (عصر اطلاعات)، زمان شکل‌گیری و جسمیت یافتن تهدیدات و فرصت‌ها و چهره عوض کردن آنها بسیار کوتاه شده است.



- از یک طرف، مابه دنبال مهندسی جامعه امن خود در پشت دیوارهای آهنین و دیوارهای چین هستیم؛ از جانب دیگر، در حال گذار از جهان ساخت یافته پیرامون دیوارها به سوی جهان ساخت یافته پیرامون شبکه‌ها هستیم. به بیان دیگر، در حالی که ما به مرزهای سرزمینی ملی می‌اندیشیم، دیوارهای آتشین نامرئی در حال جایگزین شدن هستند.

- از یک سو، گرایش و تمایل مسلط ما در ترسیم استراتژی‌ها، پیرامون «تهدیدات» معنا می‌یابد؛ از جانب دیگر، تدبیر است.

- از یک سو، ما کماکان به عامل انسانی به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین عامل در عرصه بازی‌های اطلاعاتی - امنیتی می‌نگریم؛ از جانب دیگر، در عصری به سر می‌بریم که عملیات الکترونیک تا حد زیادی عملیات اطلاعاتی متنی بر عوامل انسانی سری را بی‌اعتبار ساخته است. در این عصر با پدیده‌های زیر مواجه هستیم:

- ارتباطات ماهواره‌ای سلولی (که توسط شرکت‌هایی نظیر ایریدیوم، گلوبال

استار، استرونیک، سایبراستار و... طراحی شده است)

- ماهواره‌های تجسسی با شناسایی کرچک و کم‌هزینه

- حس‌گرهای کوچک، انطباق‌پذیر و چندمنظوره،

- بیوحس‌گرها در سطح علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

- زنبورهای کوچک در حال قطع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

- سیستم شناسایی مکان جهانی

- ابر ایستگاه‌های داده‌پردازی

## چه باید کرد و چه نباید کرد؟

- باید واقع‌بینانه پذیرفت که تهدیدات نوین، در سه حوزه «فرهنگی»، «هنجاری» و «هویتی» تحولات بنیادینی را دامن زده است که به طور قطع مبانی فلسفی «امنیت ملی» را



به مبارزه فراخوانده است. لذا، ضرورتاً برای مواجهه منطقی با پدیده‌های جدید امنیتی، باید درک و تحلیل مشخصی از آنان ارائه نمود.

- باید پذیرفت که اگر تا دیروز در صحرای خشک و بی‌بر، به دنبال برکه کوچکی از اطلاعات می‌گشتیم، امروز باید آموخت که چگونه در دریای اطلاعات شنا کرد.

- باید پذیرفت که در این جهان متلاطم و پیچیده، آینده جوامع در گرو «اراده معطوف به آگاهی و قدرت» آنان است. لذا، باید تلاش کرد که «آینده‌سازی» را جایگزین «آینده‌نگری» (پیش‌بینی آینده) نمود.

در شرایط کنونی، می‌باید تعریفی از استراتژی امنیتی به دست داد که پاسخگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. «یک سازمان، نهاد، نظام و... چه می‌باید بکند؟»
۲. «یک سازمان «چه اهداف و ماموریت‌هایی باید دنبال کند و چگونه می‌تواند آن را احصاء کند؟»
- آحاد تعریفی «استراتژی» باید دربرگیرنده شاخصه‌های زیر باشد:
  - یک طرح؛<sup>۱</sup>
  - یک چگونه/چطور؛<sup>۲</sup>
  - یک وسیله و ابزار<sup>۳</sup> برای حرکت از «اینجا» به «آنجا»؛
  - یک الگو<sup>۴</sup> در کنش‌هایی که در طول زمان انجام می‌شود؛
  - یک موقعیت؛<sup>۵</sup>
  - یک منظر؛<sup>۶</sup>

۱. plan

۲. how

۳. means

۴. pattern

۵. position

۶. perspective



- یک چهره یا فناوری قدرت است؛

- یک نوع از معرفت/دانش است

بنابراین، استراتژی «مقصد» نیست، بلکه «چگونه رسیدن به مقصد» است. بالمآل، لازمه داشتن استراتژی، درک مشخص از «مقصد» است. (تو نخست بگو که کجا می خواهی بروی، من سپس می گویم که چگونه باید بروی). استراتژی از جنس «کجایی» نیست، بلکه از جنس «چگونگی» است. از جنس هدف نیست، از جنس راه و رفتن است.

در شرایط پیچیده و حساس دوران گذار اصلاحی، می باید به طراحی یک «جامعه امن منعطف» پرداخت و استعداد ایفای نقش در میان «بازی تمایزها و کثرت‌ها» را به دست آورد. باید چهره جدید تهدیدات را درک نمود و به اقتضای طبیعت و ماهیت هر یک به طراحی راه کارها و سازوکارهایی اندیشید. به دیگر سخن، چنانچه امروز تهدیدات ما بیشتر در چهره «نرم افزاری» بروز و ظهور می کنند تا «سخت افزاری»، می باید به تدوین و طراحی استراتژی‌های نرم افزاری برای مواجهه و مقابله با آنان همت گماشت.

در عرصه بازی‌های امنیتی نباید به شاه کلید (استراتژی کلان) اندیشید، بلکه باید بارر داشت که موزیک هر استراتژی را می توان با نت‌های مختلف (سلبی و ایجابی) نواخت و باید باور داشت که قفل به معنای آن است که کلیدی هم هست، اما هر قفل کلید خاص خود را می طلبد. در کلید در یک نگاه کلی، در شرایط کنونی، جامعه تصمیم ساز و تدبیر پرداز امنیتی ما، نیازمند ارائه تعریفی مشخص از اهداف، منافع، مصالح، ارزش‌ها و هنجارها، آسیب پذیری‌ها و تهدیدات، اولویت‌ها و فوریت‌ها، محدودیت‌ها و مقدمات امنیتی در سطح ملی و در پرتو آن ترسیم و تدوین استراتژی‌ها و تکتیک‌های امنیتی و اصلاح ساختارها و کارکردهای خود است.